

بررسی نقش ذائقه موسیقایی بر سرمایه فرهنگی

مهناز رونقی^۱

ronagh_m@yahoo.com

سیما ناظری^۲

nazery_sima@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش ذائقه موسیقی بر سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز بوده است. با توجه به اینکه جامعه‌شناسی معرفت از جمله قدیمی‌ترین زیر رشته‌های جامعه‌شناسی است. در این رشته از جامعه‌شناسی، به طور کلی تعیین اجتماعی معرفت مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. یکی از گونه‌های متنوع معرفت، ذائقه موسیقایی است. از اینرو جامعه‌شناسی ذائقه موسیقایی را می‌توان از زیر رشته‌های جامعه‌شناسی معرفت به شمار آورد. در جامعه‌شناسی ذائقه موسیقایی، این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که ذائقه موسیقایی تا چه اندازه تحت تأثیر روندهای اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز بود، حجم نمونه آماری براساس فرمول کوکران (۳۵۰ نفر) در نظر گرفته شد. در این پژوهش روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی چند مرحله‌ای انجام شد. روش جمع‌آوری اطلاعات از طریق تکنیک مصاحبه عمیق که به مطالعه ذائقه موسیقایی و پرسشنامه سرمایه فرهنگی بوردیو مورد استفاده قرار گرفت و بر روی نمونه مورد نظر اجرا شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، واریانس و نمودار و ...) و به منظور آزمون سوال‌های پژوهش از آمار استنباطی (از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل) استفاده شد. نتایج نشان داد: که ارزشها و نمودهای فرهنگی و هنری در سه شاخص: ۱- تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی (مهارت ذهنی، مهارت در ارائه موسیقی) ۲- عینی (مصرف کالاهای فرهنگی، تملک کالاهای فرهنگی، علاقمندی به هنر) ۳- نهادی (تاثیرگذاری عوامل موثر در گرایش به موسیقی) بر ذائقه موسیقایی تاثیر گذار است.

کلید واژه‌ها: ذائقه موسیقایی، سرمایه فرهنگی، دانشجویان.

^۱ - دکترای علوم ارتباطات، عضو هیات علمی گروه ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران، ronagh_m@yahoo.com

^۲ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران، nazery_sima@yahoo.com

مقدمه

جامعه‌شناسی معرفت از جمله قدیمی‌ترین زیر رشته‌های جامعه‌شناسی است، به طوری که اندیشمندان کلاسیک این حوزه بنیانگذاران رشته جامعه‌شناسی هستند. در این رشته از جامعه‌شناسی، به طور کلی تعیین اجتماعی معرفت مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این پرسش که معرفت تا چه میزان تابع روندهایی است که ویژگی جامعه شناختی یک جامعه محسوب می‌شود، از محوری‌ترین پرسشهای این رشته است (گلوور و دیگران، ۱۳۸۷). یکی از گونه‌های متنوع معرفت، ذائقه موسیقایی است. از اینرو جامعه‌شناسی ذائقه موسیقایی را می‌توان از زیر رشته‌های جامعه‌شناسی معرفت به شمار آورد (علیزاده و دیگران، ۱۳۸۳). در جامعه‌شناسی، یکی از جنبه‌های مهم جامعه‌ی انسانی بر ذائقه موسیقایی سرمایه فرهنگی است، بنابراین مطالعه‌ی این امر در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی فرهنگ بطور خاص قرار می‌گیرد. یکی از دغدغه‌های نظری مهم در عرصه سرمایه فرهنگی این است که چه عواملی بر سرمایه فرهنگی مردم می‌تواند تعیین کننده باشد (فاضلی، ۱۳۸۴). شایان ذکر است که سرمایه فرهنگی طیف گسترده‌ای از موضوعات گوناگونی را در بر می‌گیرد و یکی از مهمترین آنها، موسیقی است. با توجه به اینکه موسیقی که یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی هنر می‌باشد. موسیقی همواره در صدد یافتن روابط متقابل بین موسیقی و ساخت اجتماعی است و سؤال بنیادی که جامعه‌شناسی موسیقی با آن روبروست این است که شرایط یک نظام اجتماعی چگونه بر نوع موسیقی غالب بر فرهنگ یک جامعه یا یک گروه مؤثر است (صمیم و فاطمی، ۱۳۸۶). جامعه‌شناسی موسیقی در طول دهه پایانی قرن بیستم و سالهای آغازین قرن بیست و یکم از رشد خیره کننده‌ای برخوردار بوده است. آنچه که در سال‌های اخیر برای محققان حوزه‌ی موسیقی حائز اهمیت بوده، تنوع سلیقه موسیقایی در بین افراد جامعه است. اینکه چرا برخی از افراد به یک نوع موسیقی خاصی علاقه‌مند هستند و از شنیدن آن لذت می‌برند و در مقابل به نوع دیگری از موسیقی علاقه‌ای ندارند. بررسی عوامل فرهنگی تأثیرگذار در علاقه‌مندی به نوع خاصی از موسیقی از موضوعات مورد علاقه‌ی بسیاری از پژوهشگران در طی دو دهه اخیر بوده است (فاضلی، ۱۳۸۴). مفهوم سرمایه فرهنگی در دهه‌ی ۱۹۶۰ از سوی بوردیو و همکارانش ابداع شده است و به جهت اهمیت و گستردگی نقش این نوع سرمایه، بسیاری از تحلیلگران و نظریه‌پردازان اجتماعی از آن به عنوان منبع بسیار مهمی در تعیین ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یاد نموده‌اند (نادعلی، ۱۳۸۷). از زمان ابداع این مفهوم تاکنون مطالعات بسیاری درباره‌ی نقش و اهمیت آن در زندگی اجتماعی انجام شده و اهمیت آن در مواردی مثل بردباری اجتماعی، موفقیت تحصیلی، هویت اجتماعی، فعالیت‌های ورزشی، روابط دموکراتیک درون خانواده و ... بررسی و تایید شده است. بر همین اساس پژوهش حاضر به بررسی نقش ذائقه موسیقی بر سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان پرداخته است.

بیان مسأله

پژوهش درباره‌ی جامعه‌شناسی موسیقی ادوار گوناگونی را پشت سر گذاشته است. در آغاز قرن بیستم و تحت تأثیر مکتب شیکاگو، بررسی موسیقی راهی برای باز نمایاندن تجربه‌ی مردم و به ویژه پیوستن مهاجران به زندگی روزمره آمریکایی بود. پس از آن، پژوهشگران توجه خاصی به تولید موسیقی کردند. مسئله این بود که چگونه موسیقیدانان در شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی و با برداشت از زمانه و دنیای اجتماعی، نوع خاصی از موسیقی را تولید می‌کنند. به عبارت دیگر، کانون توجه این نسل از تحقیقات چگونگی تأثیرگذاران دنیای اطراف بر موسیقیدانان و کار آنها بود تاکنون، درباره‌ی ذائقه موسیقایی افراد و عواملی که آن را متأثر می‌سازد، مطالعات نظری و تجربی فراوانی به انجام رسیده است. مع الوصف این تحقیقات نتایج همسویی را عرضه نمی‌کنند. برای

مثال، کوهن ون آیک پژوهشی در کشور هلند با عنوان «تمایز اجتماعی در الگوهای ذائقه موسیقایی» در سال 2001 انجام داد که نتیجه آن با نظریه پیترسون مطابقت می‌کند. با ظهور مکتب بیرمنگام در انگلیس، نسل جدیدی از تحقیقات درباره موسیقی آغاز شد. مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام با ترکیبی از تاریخ اجتماعی انگلیسی، نظریه نوماکسیستی فرانسوی، و کار میدانی سعی می‌کرد نشان دهد: جوانان چگونه خرده فرهنگ‌های خود را در چارچوب موسیقی درک می‌کنند. به عبارتی، سؤال این بود که موسیقی چگونه یک هویت جمعی به نام خرده فرهنگ را به صورت یک کلیت بازتاب می‌کند و در دسترس تجربه گروه قرار می‌دهد در کنار مطالعات کیفی پیروان مکتب مطالعات فرهنگی، برخی محققان در ابتدای دهه ۱۹۷۰ با امکان پذیر شدن پردازش‌های رایانه‌ای متمایل شدند تئوریهای مرتبط با جامعه‌شناسی موسیقی را مطرح کنند و بیازمیند. بورديو تأثیرگذارترین متفکر این جریان بود. وی بر این باور بود که اعضای یک گروه طبقاتی مشخص سبک زندگی یکسان و یکنواختی دارند که ناشی از شباهت سرمایه فرهنگی اعضای این طبقه است. همچنین ساختار رفتار مصرف فرهنگی هر فرد براساس ترکیب سرمایه فرهنگی طبقاتی وی و جایگاه وی در سلسله مراتب طبقاتی شکل می‌گیرد. بنابراین دو گزاره، بورديو به این نتیجه رسید که میدانهای فرهنگی ساختاری عمودی دارند و طبقات بالا، که فرض می‌شود از سرمایه فرهنگی بیشتر و پراچ‌تری برخوردارند، سبک زندگی و مصرف فرهنگی متعالیتر و با پیچیدگی نخبه‌گرتری را برمی‌گزینند. در عوض، طبقات پایین سرمایه فرهنگی کمتر و الگوی مصرف فرهنگی عامه‌پسندتری دارند. این تفاوتها نیز به نوبه خود در مصرف ژانرهای فرهنگی گوناگون توسط طبقات بالا و پایین جامعه خود را نمایان می‌سازد در مقابل، گروهی از محققان مفروضات بورديو را به چالش کشیدند. برخی از منتقدان، با حفظ مفهوم کانونی نظریه بورديو، تلاش کردند تا این نظریه را جرح و تعدیل کنند. برای مثال، دیمگیو معتقد بود که نمی‌توان خط تمایزات طبقاتی ذائقه‌های فرهنگی را به دقت ترسیم کرد. همبستگی‌هایی میان ذائقه‌ها و جایگاه‌های طبقاتی وجود دارد، اما این همبستگی‌ها ضعیف است و الگوی توزیع طبقاتی ذائقه‌ها نیز دقیق و تعریف شده و مشخص نیست در این راستا، ترینکنس از سه نوع سرمایه فرهنگی متعالی، پاپ و قومی سخن گفت. به اعتقاد وی، در عرصه سرمایه فرهنگی متعالی، طبقه عنصری تعیین کننده است. در زمینه سرمایه فرهنگی پاپ، طبقه و قومیت به یکسان تأثیر دارند و سرمایه فرهنگی قومی تحت تأثیر قومیت است. بر این اساس، با توجه به گسترش فناوریهای ارتباطی و دسترسی آسان تر به منابع موسیقایی و نیز ویژگیهای خاص جامعه ایران مانند بافت مذهبی آن، این تحقیق کوشش کرده است تا با انجام پژوهش کیفی، مکانیسم‌های علی مؤثر بر ذائقه موسیقایی افراد را واکاوی و از این رهگذر تئوریهای مطرح این حوزه را مجدداً ارزیابی کند و به این سؤال پاسخ دهد که نقش ذائقه موسیقی بر سرمایه فرهنگی چگونه است؟

چارچوب نظری تحقیق

برای آگاهی از نقش ذائقه موسیقی بر سرمایه فرهنگی مطالعه مقدماتی انجام گرفته و نظریات و دیدگاههای اندیشمندان مختلف در باره موضوع مورد بررسی را مطرح کردیم. برخی از این نظریات و مدلها اساس و زیربنای سوالات و متغیرهای مورد بررسی را تشکیل می‌دهند. بنابراین به طور خلاصه به برخی از آنها اشاره خواهیم نمود. بطور کلی نقش ذائقه موسیقی به عنوان متغیر ملاک این پژوهش بررسی شده است. از طرفی سرمایه فرهنگی به عنوان متغیر پیش بین این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته شده است. ابعاد سه گانه سرمایه فرهنگی که توسط «بورديو» مطرح گردیده زیر بنای متغیر ما را تشکیل می‌دهد که شامل ارزشها و نمودهای فرهنگی و هنری در سه شاخص: ۱- تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی (مهارت ذهنی، مهارت در ارائه موسیقی) ۲- عینی (مصرف کالاهای فرهنگی، تملک کالاهای فرهنگی، علاقمندی به هنر) ۳- نهادی (تأثیرگذاری عوامل موثر در گرایش به موسیقی) است. در این پژوهش در خصوص نقش ذائقه موسیقی بر سرمایه فرهنگی بر روی دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی

نقش ذائقه موسیقی بر سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان با توجه به وجود شرایطی خاص (نوع سن و تحصیلات، شرایط اجتماعی و فرهنگی خانواده و شغلی،...) الزامی و ضروری است و به هر میزان که این شرایط بهتر و مناسب‌تر تحقق یافته باشند، سرمایه فرهنگی نقش موثری بر ذائقه موسیقی خواهد داشت. دستیابی به سرمایه فرهنگی مناسب با استفاده از فرایندهای ذهنی و شناختی به دانش و اطلاعات انباشته شده یا جدید متعلق به محیط خود، درک و فهمیدن آنها، تفسیر آنها، انجام دادن تجارب با آنها و تنظیم کردن رفتارهایشان برحسب نتایج رسیده بر ذائقه موسیقایی را بیان می‌کند. بدین سبب شهود و تفسیر، یک رویداد فردی موثر بر ذائقه موسیقایی است (امیرکبیری، ۱۳۸۵). پیر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، به همراه همکارانش، مفهوم سرمایه فرهنگی را در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ به منظور رفع یک مسئله تجربی ویژه به عبارت دیگر، این مسئله که موانع اقتصادی برای تبیین نابرابری‌های موجود در موفقیت‌های آموزشی دانش آموزان طبقات اجتماعی مختلف، کافی نیست ابداع نمود.

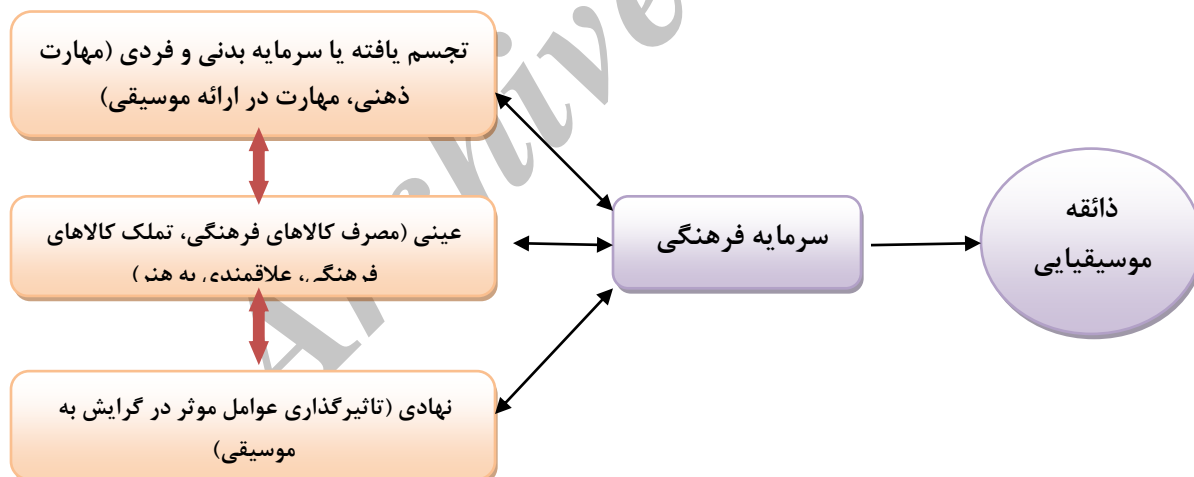
بوردیو معتقد بود که، علاوه بر عوامل اقتصادی، "عادت واره‌های فرهنگی و خصلت‌های به ارث برده شده از خانواده" هستند که نقش بسیار مهمی در موفقیت‌های مدرسه ایفا می‌کنند (بوردیو، پسون، ۱۹۷۹). وی در انجام این کار با مفاهیم سنتی جامعه شناختی درباره فرهنگ، که به فرهنگ به مثابه مجموعه از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، یا به عنوان ابزاری برای بیان جمعی می‌نگریستند، مخالفت نمود. در عوض بوردیو، بر آن عقیده بود که فرهنگ دارای بسیاری از ویژگی‌های است که از مشخصه‌های سرمایه اقتصادی به شمار می‌روند. مخصوصاً وی بر این نکته تاکید داشت که عادت واره‌ها و خصلت‌های فرهنگی، در بردارنده‌ی منابعی هستند که می‌تواند سودهای زیادی به همراه داشته باشد. عادت واره‌ها و خصلت‌های فرهنگی به طور بالقوه این استعداد را دارند که از سوی گروه‌ها و افراد به انحصار در آیند، و در شرایط مناسب، این عادت‌واره و خصلت‌ها می‌تواند از نسلی به نسل دیگر منتقل شود (لیراو و واینینگ، ۲۰۰۳). بوردیو، در مقام مبدأ مفهوم سرمایه فرهنگی، میل و علاقه چندان‌ی به این مسئله نداشت که معنا و اهمیت مفاهیم خارج از زمینه‌ی انضمامی فراهم آمده بوسیله تحقیقات تجربی، ایجاد شود. اما در سطحی بسیار کلی‌تر وی معتقد بود که "هرگونه قابلیت" تا آنجای که تخصیص "میراث فرهنگی" یک جامعه را تسهیل می‌نماید به نوعی سرمایه تبدیل می‌شود، اما این قابلیت به گونه برابر توزیع نشده است، در نتیجه زمینه‌ای برای امتیازات انحصاری بوجود می‌آورد. علاوه براین، به اعتقاد بوردیو، در جوامعی که ساختار اجتماعی تمایز یافته و نظام آموزش رسمی وجود دارد، این امتیازات انحصاری، تا اندازه‌ی زیادی از طریق "نهاده‌ی شدن" "ملاک‌های ارزیابی" در مدارس به عبارت دیگر، معیارهای سنجش که به نفع طبقه یا طبقات خاصی است، ایجاد می‌گردد (بوردیو، ۱۹۷۷). افزون بر این، بوردیو استدلال نموده است که سرمایه فرهنگی به سه شکل وجود دارد (۱۹۸۶). سرمایه فرهنگی در شکل تجسم یافته‌اش، صورت قابلیت یا توانایی‌هایی را به خود می‌گیرد که نمی‌توان آن را از حامل‌اش (یعنی، شخصی که آن مهارت‌ها و قابلیت‌ها را دارد) جدا نمود. در واقع کسب سرمایه فرهنگی، ضرورتاً نیازمند صرف وقت برای آموختن یا آموزش دادن است. همچنین بوردیو معتقد است که اشیاء نیز می‌توانند به عنوان شکلی از سرمایه فرهنگی عمل نمایند، تا آنجای که استفاده از آنها یا مصرف آنها مستلزم داشتن میزان مشخصی از سرمایه فرهنگی است. برای نمونه، یک متن فلسفی صورتی عینیت یافته از سرمایه فرهنگی است، زیرا فهم آن لازمه‌اش آموزش‌های قبلی در زمینه فلسفه است. در نهایت اینکه در جوامعی که نظام‌های رسمی برای آموزش رسمی وجود دارد، سرمایه فرهنگی به شکلی نهادینه شده وجود دارد. به عبارت دیگر سرمایه فرهنگی درونی‌شان ارزشی عینی پیدا می‌کند. عقاید رایج درباره‌ی نظام تعلیم و تربیت مدرن، به عنوان موتوری که افراد را در درون ساختار طبقاتی ارتقاء یا تنزل می‌دهد، به چالش کشید. در واقع، از نقطه نظر بسیار انتقادی بوردیو، نظام‌های تعلیم و تربیت مدرن، در اعتبار بخشی و ارتقاء سرمایه فرهنگی در کودکانی که سرمایه فرهنگی زیادی از والدینشان به ارث برده‌اند، به نسبت کودکانی که هنگام ورود به نهادهای تعلیم و تربیت از مهارت و خصلت‌های اندک و ناچیزی برخوردارند و یا اینکه اصلاً فاقد

چنین خصلت‌ها و مهارت‌هایی هستند، بسیار کارآمدتر عمل می‌کنند. به این ترتیب او معتقد است که نظام‌های آموزشی جوامع مدرن، افراد را به سوی غایت‌های طبقاتی هدایت می‌کنند که تا اندازه زیادی (و نه تماماً) بازتاب خاستگاه‌های طبقاتی‌شان است. (بورديو و پسون، ۱۹۷۹). از سوی دیگر سرمایه فرهنگی، تاثیر چشمگیری بر جامعه‌شناسی نهاده است، زیرا این مفهوم را در مرکز تحقیقات راجع به قشر بندی اجتماعی وارد نموده است. بورديو در کارهای بعدی‌اش، بیشتر برای تایید این عقیده استفاده نمود که فرهنگ مستقیماً در نابرابری اجتماعی دخالت دارد. این امر مخصوصاً در سرتاسر مفهوم سازی دوباره‌ی طبقه اجتماعی دیده می‌شود که او در کتاب تشخیص (وینگر، ۲۰۰۵) انجام داده است. از نظر بورديو، طبقات براساس حجم کلی سرمایه‌ی (اقتصادی و فرهنگی) که افراد و خانواده‌ها در اختیار دارند، از هم متمایز می‌گردند. در درون طبقات نیز، "خرده طبقات" بر اساس سرمایه‌های که در اختیار دارند یا به عبارت دیگر، از طریق سرمایه‌های اقتصادی به علاوه سرمایه فرهنگی‌شان از هم متمایز می‌گردند. بورديو در کتاب تشخیص، با بهره‌گیری از این مفهوم‌سازی دوباره، ترجیحات و کردارهای زیبای شناسانه طبقات و خرده طبقات موجود در ساختار اجتماعی فرانسه را، مخصوصاً با تمرکز برداشتن یا نداشتن ذائقه و سلیقه‌ی اشکال هنری متعالی (نقاشی، موسیقی، ادبیات و تئاتر) تحلیل می‌کند. اطلاعات گردآوری شده بوسیله بورديو نشان می‌دهد که هر طبقه (و خرده طبقه‌ای) الگوی منحصر به فردی از ذائقه را داراست، که با ترکیب خاصی از سرمایه‌های فرهنگی هماهنگ است. مفهوم سرمایه فرهنگی در مطالعه ترجیحات و ذائقه‌های زیبای شناسانه بسیار نقش تعیین کننده‌ای داشته است. در این زمینه جامعه‌شناسان به بررسی همبستگی بین موقعیت اجتماعی و ذائقه افراد پرداخته‌اند. با تمرکز بر میل وافر طبقه‌ی بالا برای به انحصار درآوردن اشکال زیبای شناسانه‌ی هنر متعالی جهت متمایز ساختن خود از دیگران، شواهد این تحقیقات نشان می‌دهد که برای مثال، مناسبات موجود در جامعه معاصر ایالات متحده آمریکا، بسیار متفاوت از آن چیزی است که بورديو ترسیم نموده است. بنابراین، پترسون و همکارانش (پترسون و کرن ۱۹۹۶، پترسون و سیمکوس ۱۹۹۲) گزارش نموده‌اند که نخبگان ایالات متحده‌ی آمریکا در زمینه‌ی ذائقه فرهنگی، به جای آنکه تشخیص مآب باشند، ویژگی اصلی‌شان التقاطی بودن است: داعیه‌های منزلتی در حال حاضر معمولاً بر پایه‌ی آشنایی با گستره‌ی متنوعی از ژانرهای درون هر قالب فرهنگی (موسیقی، ادبیات، فیلم و غیره) مشخص می‌گردد، ژانرهای که دامنه‌ی از هنر متعالی (مثل اپرا و موسیقی کلاسیک) تا هنر میان مایه (مثل آهنگ برنامه‌های براد وی) و هنر پست (مثل موسیقی راک و موسیقی محلی) را در برمی‌گیرد. بنابراین، انتظار می‌رود کسانی که داعیه‌های منزلتی دارند این توانایی را داشته باشند که نمونه‌های ناب هر ژانر را بر اساس معیارهای قضاوتی مربوط به آنها تشخیص دهند. علیرغم این واقعیت که این نتایج با توصیفاتی که بورديو درباره‌ی سبک زندگی در کشور فرانسه ارائه می‌دهد، متفاوت است، این جهت‌گیری جهان وطنی مشروط به شاخص‌های سرمایه فرهنگی یعنی آموزش است و بنابراین این توانایی را دارد که به عنوان شکلی از سرمایه فرهنگی عمل نماید. در واقع بریسون (۱۹۹۲) عنوان سرمایه فرهنگی مضاعف را به آن داده است.

همزمان با رواج مفهوم سرمایه فرهنگی در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی انگلیسی زبان، این مفهوم مورد انتقادهای بسیاری نیز قرار گرفته است. لامونت (۱۹۹۲)، بر این مسئله تاکید نموده است که مفهوم سازی فرهنگ بدین شیوه مانع از آن می‌شود که جامعه‌شناسان به تشخیص این نکته بپردازند که فرهنگ دربردارنده‌ی ذخایری است که کنشگران از آن برای ارزیابی کیفیت اخلاقی تجارب شخصی خود و دیگران استفاده می‌نمایند. این مباحث مطمئناً شدت بیشتری می‌یابد هنگامی که محققان به بررسی بیشتر رابطه‌ی بین فرهنگ و نابرابری بپردازند. لکن مفهوم سرمایه فرهنگی بورديو و تاکید آشکارش بر ارزش‌های اجتماعی، مهارتها، خصلت‌ها، و عادت‌واره‌های فرهنگی، صرف نظر از تغییری که پیدا نموده است، بدون شک در آینده نقش مهمی در نظریه‌های

نابرابری، جامعه‌شناسی فرهنگ، و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایفا خواهد نمود. در نظر بورديو هیچ چیز مثل موسیقی این فرصت را برای جامعه شناس فراهم نمی‌آورد تا بتواند منطق خاص میدان اجتماعی را تجزیه و تحلیل نماید (بورديو، ۱۹۹۳). خوش ذوقی‌ها و بد ذوقی‌های هر کس به مسیر اجتماعی و موضع او در زمانی معین بستگی دارد. این علایق همچون مهتری اجتماعی عمل می‌کند که برچسب می‌زند و تعلق اجتماعی عامل را به گروهی آشکار می‌کند (شوبیر و فونتین، ۱۳۸۵). زمیل موسیقی را محصول روابط اجتماعی دانسته و آن را در حفظ و برقراری روابط اجتماعی، ساخت دادن به آن و همچنین تغییر ساختار آن مؤثر می‌داند. (رفیع پور، ۱۳۸۹). وبر (1922)، بورديو (1984)، وان آیک (۲۰۰۱) اعتقاد دارند موسیقی می‌تواند وسیله‌ای برای استقرار روابط اجتماعی باشد. رهیافت این تحقیق که در روش شناسی پارادایمیک علوم اجتماعی از آن به رهیافت یا پارادایم انتقادی یاد می‌شود، دارای خصلت‌هایی بخشی است. با توصیفی دقیق از آنچه که درون جامعه می‌گذرد این توانایی برای افراد محروم به دست می‌آید که جایگاه خود را ارتقاء دهند. بدین معنی که با شناساندن بهتر قوانین جهان اجتماعی به عاملان است که علم اجتماعی بیشترین آزادی را برای آنها فراهم می‌آورد. هر پیشرفتی در شناخت این ضرورت، پیشرفت در کسب آزادی ممکن است. پرتو افکندن بر قوانینی که متضمن رهاسازی است دامنه آزادی را گسترش می‌دهد (رامین، ۱۳۸۹). با این رهیافت، در حوزه موسیقی می‌توان بیان کرد: فعالیت در حوزه موسیقی با داشتن استعداد لازم، برتری یافتن برخی سبکها بر سبکهای دیگر موسیقی به لحاظ زیبایی شناختی، به خصوص در این باره چالش موسیقی ایرانی با موسیقی غربی را می‌توان از نمونه‌های این رویه اجتماعی دانست (درویشی، 1376، لطفی، 1371).

نمودار شماره ۱: مدل نظری تحقیق



سوال‌های پژوهش

با نگرش بر مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور سئوالات پژوهشی زیر مطرح می‌شود.

سوال اصلی

آیا ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی دانشجویان رابطه وجود دارد؟

سوالات اختصاصی

- ۱) آیا ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی (مهارت ذهنی، مهارت در ارائه موسیقی)) دانشجویان رابطه وجود دارد؟
- ۲) آیا ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (عینی (مصرف کالاهای فرهنگی، تملک کالاهای فرهنگی، علاقمندی به هنر)) دانشجویان رابطه وجود دارد؟
- ۳) آیا ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (نهادی (تاثیرگذاری عوامل موثر در گرایش به موسیقی)) دانشجویان رابطه وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که در تحقیق حاضر قصد بر این است که نقش ذائقه موسیقی بر سرمایه فرهنگی دانشجویان در زمان حال و در سال ۱۳۹۴ مطالعه گردد، مناسب‌ترین روش یعنی روش پیمایشی انتخاب شده است. زیرا روش پیمایشی زمانی به کار می‌آید که موضوع تحقیق در زمان حال شروع شود و در زمان حال هم به پایان رسد. جامعه آماری مورد مطالعه شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در مقطع ارشد می‌باشد. مطالعه حاضر به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۴ اجرا شده است. در این پژوهش روش نمونه‌گیری از طریق نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای و حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران (۳۵۰ نفر) در سطح دقت ۰/۰۵، سطح اطمینان ۰/۹۵ در نظر گرفته شد.

روش گردآوری اطلاعات

در پژوهش حاضر با توجه به نوع روش تحقیق که از نوع پیمایشی می‌باشد، حجم نمونه مورد پژوهش براساس فرمول کوکران ۳۵۰ نفر در نظر گرفته شد. همچنین به لحاظ محدودیت زمانی تحقیق، از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. پرسش‌های پرسشنامه به صورت پاسخ‌های چند گزینه‌ای بسته به روش لیکرت با بهره‌گیری از پرسشنامه سرمایه فرهنگی بوردیو تهیه شد. با توجه به آمار دانشجویان کارشناسی ارشد از بین کل کارشناسی ارشد که در ساختمان علوم اجتماعی واقع بودند به قید قرعه ۳۵۰ دانشجو انتخاب و از هر دانشجو خواسته شد که در نهایت دقت و آرامش به تمامی سئوالات پرسشنامه مذکور پاسخ دهند. سپس پرسشنامه سرمایه فرهنگی محقق ساخته که با بهره‌گیری از پرسشنامه سرمایه فرهنگی بوردیو تهیه شده بود توسط دانشجویان پاسخ داده شده بود مورد بررسی قرار گرفت و آن دسته از پرسشنامه‌هایی که ناقص پاسخ داده شده بود کنار گذاشته شد و در نهایت با حذف پرسشنامه‌های ناقص کلیه پرسشنامه‌های تکمیل شده که ۳۵۰ پرسشنامه بود مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش برای آزمون سئوالات پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و همچنین آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شده است. در اصل با توجه به سطوح سنجش متغیرهای مستقل و وابسته در هر فرضیه از آزمون متناسب با همان فرضیه استفاده شده است. برای بررسی آماری و تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss نسخه ۲۱ استفاده گردیده است.

ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش روش جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه صورت گرفته و به تعداد نمونه آماری مورد نظر بین افراد توزیع شده است. در این پژوهش از پرسشنامه سرمایه فرهنگی توسط بوردیو (۱۹۹۷) در سه شاخص: ۱- تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی (مهارت ذهنی، مهارت در ارائه موسیقی) ۲- عینی (مصرف کالاهای فرهنگی، تملک کالاهای فرهنگی، علاقمندی به هنر) ۳- نهادی (تاثیرگذاری عوامل موثر در گرایش به موسیقی) که دارای ۲۲ گویه و بر مبنای طیف پنج گزینه‌ای تنظیم و نمره‌گذاری شده

است مورد استفاده قرار گرفت. در این پرسشنامه میانگین هر یک از گویه‌ها و مولفه‌ها مد نظر قرار می‌گیرد و گویه‌های آن در قالب سه مولفه سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادی نمره‌گذاری شده است و محقق بر اساس میانگین نمرات هر یک از مولفه‌ها کار خود را عملی خواهد نمود.

اعتبار و پایایی پژوهش

پایایی و اعتبار آزمون سرمایه فرهنگی بورديو (۱۹۹۷)، میزان پایایی این پرسش‌نامه را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه دانش آموزان به شرح زیر گزارش نموده است. ۱- تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی ۰/۸۲، مهارت ذهنی ۰/۸۰، مهارت در ارائه موسیقی ۰/۸۵ (۲) عینی ۰/۸۴، (مصرف کالاهای فرهنگی ۰/۸۷، تملک کالاهای فرهنگی ۰/۸۳، علاقمندی به هنر ۰/۸۲) ۳- نهادی ۰/۸۷، (تاثیرگذاری عوامل موثر در گرایش به موسیقی ۰/۸۷) نتیجه بررسی‌های او نشان داد که این پرسش‌نامه از اعتبار بالایی برخوردار است. در پژوهش حاضر با توجه به اینکه پرسشنامه سرمایه فرهنگی محقق ساخته که با بهره‌گیری از پرسشنامه سرمایه فرهنگی بورديو تهیه گردیده بود بمنظور روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات اساتید راهنما، خوب ارزیابی و تایید شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه محاسبه شد که مقدار آن برای ۱- تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی ۰/۹۴، (مهارت ذهنی ۰/۹۳، مهارت در ارائه موسیقی ۰/۹۵) ۲- عینی ۰/۹۱، (مصرف کالاهای فرهنگی ۰/۹۳، تملک کالاهای فرهنگی ۰/۸۹، علاقمندی به هنر ۰/۹۱) ۳- نهادی ۰/۸۹، (تاثیرگذاری عوامل موثر در گرایش به موسیقی ۰/۸۹)، و در کل میزان ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۸۵/۷ درصد بر روی نمونه ۳۵۰ نفری بدست آمد. بنابراین می‌توان گفت که پرسشنامه طراحی شده برای انجام این پژوهش از قابلیت اعتماد کافی و بالایی برخوردار می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری مورد استفاده در این پژوهش در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شده است. در بخش آمار توصیفی به توصیف ویژگی‌های گروه نمونه آماری در قالب شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی مانند میانگین، میانه، نما، انحراف معیار، واریانس، جداول توزیع فراوانی و نمودارها پرداخته شده است. در بخش آمار استنباطی با توجه به نوع تحقیق و براساس نرمال بودن توزیع داده‌ها در این پژوهش از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل بوسیله نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

مشخصات فردی پاسخگویان

از لحاظ جنسیتی درصد تعداد دانشجویان زن نسبت به درصد تعداد دانشجویان مرد بیشتر است. از لحاظ سنی بیشترین میزان سنی در دانشجویان ۲۵ تا ۳۰ سال و کمترین میزان سن ۳۰ تا ۳۵ سال می‌باشد. به طور کلی یافته‌های پژوهش فوق، براساس ۴ سوال مذکور به طور خلاصه در زیر آمده است:

سوال اصلی

آیا ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی دانشجویان رابطه وجود دارد؟

جدول ۱: آزمون ضریب همبستگی پیرسون ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی)

متغیر	اجزای آزمون	سرمایه فرهنگی (تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی)
ذائقه موسیقی	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	میزان همبستگی	۰/۳۰۵
	تعداد	۳۵۰

با توجه به نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی بدست آمده ۰/۳۰۵ در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته با توجه به فاصله اطمینان ۰/۹۹ و سطح معناداری زیر ۰/۰۱ دال بر تاثیرپذیری ذائقه موسیقی بر سرمایه فرهنگی دانشجویان است.

جدول ۲: آزمون آماری t در بررسی سوال اصلی

حداکثر	حداقل	تفاوت میانگین	مقدار t جدول	سطح معناداری	دامنه آزمون	درجه آزادی	مقدار t محاسبه شده
۱۱/۷۴	۷/۶۶	۹/۷۰	۱/۶۷	۰/۰۵	۱	۳۴۹	۹/۵۱

جهت بررسی اختلاف معناداری بین میانگین فرضی و محاسبه شده از آزمون t تک نمونه استفاده شده است. با توجه به مقدار t محاسبه شده و مقایسه آن با t جدول نشان داده می شود که در سطح اطمینان $P < ۰/۰۵$ تفاوت معناداری بین میانگین فرضی و میانگین نمونه وجود دارد که دال بر معنادار بودن رابطه ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی دانشجویان است.

۱) آزمون سوال اول: آیا ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی) (مهارت ذهنی، مهارت در ارائه موسیقی) دانشجویان رابطه وجود دارد؟

جدول ۳: آزمون ضریب همبستگی پیرسون ذائقه موسیقی بر سرمایه فرهنگی (تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی)

متغیر	اجزای آزمون	سرمایه فرهنگی (تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی)
ذائقه موسیقی	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	میزان همبستگی	۰/۲۸۹
	تعداد	۳۵۰

با توجه به نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی بدست آمده ۰/۲۸۹ در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته با توجه به فاصله اطمینان ۰/۹۹ و سطح معناداری زیر ۰/۰۱ دال بر تاثیرپذیری ذائقه موسیقی بر سرمایه فرهنگی (تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی) (مهارت ذهنی، مهارت در ارائه موسیقی) دانشجویان است.

جدول ۴: آزمون آماری t در بررسی سوال اول

مقدار t محاسبه شده	درجه آزادی	دامنه آزمون	سطح معناداری	مقدار t جدول	تفاوت میانگین	حداقل	حداکثر
۴/۰۲۵	۳۴۹	۱	۰/۰۵	۱/۶۷	۴/۱۲	۲/۰۷	۶/۱۶

جهت بررسی اختلاف معناداری بین میانگین فرضی و محاسبه شده از آزمون t تک نمونه استفاده شده است. با توجه به مقدار t محاسبه شده و مقایسه آن با t جدول نشان داده می‌شود که در سطح اطمینان $P < ۰/۰۵$ تفاوت معناداری بین میانگین فرضی و میانگین نمونه وجود دارد و حکایت از تایید سوال دارد. بدین معنا که ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی (مهارت ذهنی، مهارت در ارائه موسیقی)) رابطه معناداری دارد.

آزمون سوال دوم: آیا ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (عینی (مصرف کالاهای فرهنگی، تملک کالاهای فرهنگی، علاقمندی به هنر)) دانشجویان رابطه وجود دارد؟

جدول ۵: آزمون ضریب همبستگی پیرسون ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی عینی (مصرف کالاهای فرهنگی، تملک کالاهای فرهنگی، علاقمندی به هنر)

متغیر	اجزای آزمون	سرمایه فرهنگی عینی (مصرف کالاهای فرهنگی، تملک کالاهای فرهنگی، علاقمندی به هنر)
ذائقه موسیقی	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	میزان همبستگی	۰/۲۶۵
	تعداد	۳۵۰

با توجه به نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی بدست آمده ۰/۲۶۵ در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته با توجه به فاصله اطمینان ۰/۹۹ و سطح معناداری زیر ۰/۰۱ دال بر تاثیرپذیری ذائقه موسیقی بر سرمایه فرهنگی عینی (مصرف کالاهای فرهنگی، تملک کالاهای فرهنگی، علاقمندی به هنر) دارد.

جدول ۶: آزمون آماری t در بررسی سوال دوم

مقدار t محاسبه شده	درجه آزادی	دامنه آزمون	سطح معناداری	مقدار t جدول	تفاوت میانگین	حداقل	حداکثر
۱۴/۵۳۹	۳۴۹	۱	۰/۰۵	۱/۶۷	۶/۲۳	۵/۳۸	۷/۰۹

جهت بررسی اختلاف معناداری بین میانگین فرضی و محاسبه شده از آزمون t تک نمونه استفاده شده است. با توجه به مقدار t محاسبه شده و مقایسه آن با t جدول نشان داده می‌شود که در سطح اطمینان $P < ۰/۰۵$ تفاوت معناداری بین میانگین فرضی و میانگین نمونه وجود دارد که دال بر معنادار بودن ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (عینی (مصرف کالاهای فرهنگی، تملک کالاهای فرهنگی، علاقمندی به هنر)) دانشجویان است.

آزمون سوال سوم: آیا ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (نهادی (تاثیرگذاری عوامل موثر در گرایش به موسیقی)) دانشجویان رابطه وجود دارد؟

جدول ۷: آزمون ضریب همبستگی پیرسون ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (نهادی (تاثیرگذاری عوامل موثر در گرایش به موسیقی))

متغیر	اجزای آزمون	سرمایه فرهنگی (نهادی (تاثیرگذاری عوامل موثر در گرایش به موسیقی))
ذائقه موسیقی	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	میزان همبستگی	۰/۳۰۸
	تعداد	۳۵۰

با توجه به نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی بدست آمده ۰/۳۰۸ در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته با توجه به فاصله اطمینان ۰/۹۹ و سطح معناداری زیر ۰/۰۱ دال بر تاثیرپذیری ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (نهادی (تاثیرگذاری عوامل موثر در گرایش به موسیقی)) دارد.

جدول ۸: آزمون آماری t در بررسی سوال دوم

حداکثر	حداقل	تفاوت میانگین	مقدار t جدول	سطح معناداری	دامنه آزمون	درجه آزادی	مقدار t محاسبه شده
۷/۰۹	۵/۳۸	۶/۲۳	۱/۶۷	۰/۰۵	۱	۳۴۹	۱۴/۵۳۹

جهت بررسی اختلاف معناداری بین میانگین فرضی و محاسبه شده از آزمون t تک نمونه استفاده شده است. با توجه به مقدار t محاسبه شده و مقایسه آن با t جدول نشان داده می شود که در سطح اطمینان $P < ۰/۰۵$ تفاوت معناداری بین میانگین فرضی و میانگین نمونه وجود دارد که دال بر معنادار بودن ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (نهادی (تاثیرگذاری عوامل موثر در گرایش به موسیقی)) است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد که بین ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان داد که بین ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد. در این تحقیق ابتدا مبانی نظری تحقیق بررسی شد و بیش از همه بر آراء پیر بورديو و مخصوصاً بحث قابلیت تبدیل سرمایه ها به همدیگر تاکید گردید. در واقع بورديو هنگام بحث درباره اشکال گوناگون سرمایه، معتقد است که اشکال گوناگون سرمایه قابل تبدیل به هم هستند. با توجه به اینکه ذائقه موسیقایی فرد کاملاً متأثر از طبقه اجتماعی وی و ابزاری برای تمایز است. براسا نتایج حاصله می توان بیان داشت که احتمالاً مفهوم ذائقه موسیقایی در ایران معمولاً ابزاری برای ایجاد تمایز فرهنگی طبقاتی نیست و عوامل دیگری در شکل گیری ذائقه افراد مؤثر است. عواملی مانند گروه همسالان، تشویق اساتید موسیقی، آشنایی با یک ساز خاص، هم ذات پنداری با خواننده، دیدن اجراهای موسیقی، و اعتراض و مقاومت علیه اقتدار خانوادگی و اجتماعی، همه و همه بیانگر این نکته است که ذائقه موسیقایی فرد، بیش از آنکه جلوه گاه جایگاه فرد در یک ساختار معین باشد، محصول پراکسیس وی در درون این ساختار است. ذائقه فرد امری از پیش تعیین شده نیست بلکه براینده تعامل همه جانبه ویژگیهای فردی و خاستگاه اجتماعی اوست. نکته دیگر مکانیسم تأثیرگذاری خاستگاه اجتماعی روی ذائقه افراد است. این مکانیسم صرفاً از طریق تمایز گذاری میان ما و آنها نیست. بلکه این تأثیرگذاری می تواند از طریق فرصت هایی باشد که یک ساختار

در اختیار فرد قرار می‌دهد. بنابراین، گاه خاستگاه طبقاتی افراد از مسیر فرصت‌سازی و فرصت‌سوزی و نه از رهگذر تمایز، ذائقه هنری آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نهایتاً به نکات بالا اضافه می‌کنیم که اگر ذائقه ابزاری برای تمایزبایی اجتماعی باشد، این تمایز فقط در شکل تمایز طبقاتی جلوه‌گر نمی‌شود. گاه افراد سلیقه موسیقایی خود را چون ابزاری برای بیان هویت اجتماعی ممتازشان به کار می‌گیرند. هویت یک فرد معترض یا وابسته به یک گروه قومی خاص به بهترین نحو به وسیله سلیقه موسیقایی وی منعکس می‌شود. در اینجا نیز موسیقی ابزاری برای ایجاد برتری یا پرهیز از کهنتری اجتماعی نیست بلکه راهی برای بیان خویشتن خویش است. به عبارت دیگر، موسیقی همیشه ابزار مرزبندی‌های اجتماعی نیست بلکه در برخی موارد، راهی است برای ابراز مرزهایی که میان افراد و اجتماعات وجود دارد. نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه بررسی نقش ذائقه موسیقایی بر سرمایه فرهنگی با نتایج پژوهشگرانی چون فاضلی (۱۳۸۴)، خیاطی (۱۳۹۱)، زنجانی‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد. همچنین نتایج بدست آمده در خصوص نقش ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی) (مهارت ذهنی، مهارت در ارائه موسیقی)) با نتایج پژوهشگرانی چون ربانی و کاظمی (۱۳۸۷)، قلیچ لی و مشبکی (۱۳۸۷)، لی هونگ هوانگ (۲۰۰۲)، دون (۲۰۰۸)، گنورگ (۲۰۰۴)، اندرسون و هنسن (۲۰۱۰)، هنسن و ماستیکاسا (۲۰۰۶) نیز که هر کدام به نوعی در مطالعاتشان نشان داده بودند همخوانی داشت. از طرفی نتایج بدست آمده در خصوص معناداری ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (عینی) (مصرف کالاهای فرهنگی، تملک کالاهای فرهنگی، علاقمندی به هنر)) با نتایج پژوهشی که توسط ممتاز (۱۳۸۳) همخوانی نداشت که دلایل احتمالی این مورد می‌تواند عواملی از قبیل عوامل فرهنگی، اجتماعی، تفاوت در نمونه‌های مورد مطالعه و ... باشد. نتایج پژوهش صورت گرفته در خصوص نقش ذائقه موسیقی با سرمایه فرهنگی (نهادی) (تأثیرگذاری عوامل موثر در گرایش به موسیقی)) با نتایج پژوهش‌های چون ربانی و کاظمی (۱۳۸۷)، قلیچ لی و مشبکی (۱۳۸۷)، لی هونگ هوانگ (۲۰۰۲)، دون (۲۰۰۸)، گنورگ (۲۰۰۴)، اندرسون و هنسن (۲۰۱۰)، هنسن و ماستیکاسا (۲۰۰۶) همخوانی دارد. نتایج حاصل از تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بیانگر رابطه مثبت و معنی‌دار بین سرمایه فرهنگی افراد و ذایقه موسیقی آن‌ها، بین سرمایه فرهنگی خانواده و ذایقه موسیقی آن‌ها، بین سرمایه فرهنگی افراد و قضاوت موسیقایی سبک‌گونه آن‌ها، بین سرمایه فرهنگی خانواده افراد و قضاوت موسیقایی محتوا گونه آن‌ها، بین سرمایه فرهنگی افراد و قضاوت محتوای گونه آن‌ها است. این در حالی‌ست که بین سرمایه فرهنگی افراد و ذایقه موسیقی آن‌ها، بین سرمایه فرهنگی افراد و قضاوت موسیقایی محتوا گونه آن‌ها، بین سرمایه فرهنگی خانواده افراد و قضاوت موسیقایی سبک گونه آن‌ها، بین سرمایه فرهنگی افراد و قضاوت موسیقایی سبک گونه آن‌ها رابطه به صورت منفی و معنی‌دار است.

پیشنهادات

یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که بین ذائقه موسیقایی و سرمایه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی از روی نتایج بدست آمده می‌توان تأثیر ذائقه موسیقایی بر سرمایه فرهنگی پیش‌بینی کرد. جامعه‌شناسی معرفت از جمله قدیمی‌ترین زیر رشته‌های جامعه‌شناسی است، به طوری که اندیشمندان کلاسیک این حوزه بنیانگذاران رشته جامعه‌شناسی‌اند. در این رشته از جامعه‌شناسی، به طور کلی تعیین اجتماعی معرفت مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. یکی از گونه‌های متنوع معرفت، ذائقه موسیقایی است. از این رو جامعه‌شناسی ذائقه موسیقایی را می‌توان از زیر رشته‌های جامعه‌شناسی معرفت به‌شمار آورد. در جامعه‌شناسی ذائقه موسیقایی، این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که ذائقه موسیقایی تا چه اندازه تحت تأثیر روندهای اجتماعی موجود در جامعه است. دست‌یابی به سرمایه فرهنگی مناسب با استفاده از فرایندهای ذهنی و شناختی به دانش و

اطلاعات انباشته شده یا جدید متعلق به محیط خود، درک و فهمیدن آنها، تفسیر آنها، انجام دادن تجارب با آنها و تنظیم کردن رفتارهایشان برحسب نتایج رسیده بر ذائقه موسیقایی را بیان می‌کند. بدین سبب شهود و تفسیر، یک رویداد فردی موثر بر ذائقه موسیقایی است. سرمایه فرهنگی به منظور رفع یک مسئله تجربی ویژه که موانع اقتصادی برای تبیین نابرابری‌های موجود در موفقیت‌های آموزشی دانش‌آموزان طبقات اجتماعی مختلف، کافی نیست ابداع نمود. علاوه بر عوامل اقتصادی، "عادت واره‌های فرهنگی و خصلت‌های به ارث برده شده از" خانواده هستند که نقش بسیار مهمی در موفقیت‌های مدرسه ایفا می‌کنند. بورديو، بر آن عقیده بود که فرهنگ دارای بسیاری از ویژگی‌های است که از مشخصه‌های سرمایه اقتصادی به شمار می‌روند. مخصوصاً وی بر این نکته تاکید داشت که عادت واره‌ها و خصلت‌های فرهنگی، دربردارنده‌ی منابعی هستند که می‌تواند سودهای زیادی به همراه داشته باشد. عادت‌واره‌ها و خصلت‌های فرهنگی به طور بالقوه این استعداد را دارند که از سوی گروه‌ها و افراد به انحصار درآیند، و در شرایط مناسب، این عادت‌واره و خصلت‌ها می‌تواند از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. در نهایت اینکه در جوامعی که نظام‌های رسمی برای آموزش رسمی وجود دارد، سرمایه فرهنگی به شکلی نهادینه شده وجود دارد. به عبارت دیگر سرمایه فرهنگی درونی شان ارزشی عینی پیدا می‌کند. عقاید رایج درباره‌ی نظام تعلیم و تربیت مدرن، به عنوان موتوری که افراد را در درون ساختار طبقاتی ارتقاء یا تنزل می‌دهد، به چالش کشید. در واقع، از نقطه نظر بسیار انتقادی بورديو، نظام‌های تعلیم و تربیت مدرن، در اعتبار بخشی و ارتقاء سرمایه فرهنگی در کودکانی که سرمایه فرهنگی زیادی از والدینشان به ارث برده اند، به نسبت کودکانی که هنگام ورود به نهادهای تعلیم و تربیت از مهارت و خصلت‌های اندک و ناچیزی برخوردارند و یا اینکه اصلاً فاقد چنین خصلت‌ها و مهارت‌هایی‌اند، بسیار کارآمدتر عمل می‌کنند. به این ترتیب او معتقد است که نظام‌های آموزشی جوامع مدرن، افراد را به سوی غایت‌های طبقاتی هدایت می‌کنند که تا اندازه زیادی (و نه تماماً) بازتاب خاستگاه‌های طبقاتی‌شان است.

الف. پیشنهاد می‌شود که:

- ۱- امروزه تغییرات محیطی سازمان‌ها را وادار ساخته پیوسته به منظور سازگاری با محیط به دنبال بهترین راهکارها و رویه‌ها در زمینه ارائه انواع موسیقی‌ها تا باشند. یکی از راههای کسب این وضعیت تاکید بر ارائه اصول فرهنگی حاکم و مستمر به منظور نیل به اهداف با حداکثر اثربخشی باشد. افراد در زمینه یادگیری موسیقی با توجه به سرمایه فرهنگی این توانایی را دارد که خود را به شیوه‌ای بنیادی تجدید حیات بخشد. اختلاف عقیده به عنوان بخشی از فرآیند تاثیر گذار در ذائقه موسیقایی بر سرمایه فرهنگی و یادگیری‌های جدید و پیش نیاز برای به کارگیری آن در شرایط گوناگون، باشد.
- ۲- افراد از تجربه‌های قبلی و نیز بهترین شیوه‌ها در ارائه موسیقی‌های بدیع و نو، استفاده کنند و دانشی را که بدین وسیله کسب کرده‌اند، سریعاً و به شیوه‌ای اثربخش، به افراد صاحب ذوق در این عرضه منتقل کنند.
- ۳- مدیران و رهبران سازمانها به خصوص نهادهای آموزشی باید الزاماً با این پدیده نوپا دست و پنجه نرم کنند. نقش افراد صاحب امر با استفاده از چشم‌انداز معنوی و ایجاد زمینه‌های فرهنگی براساس ارزش‌های انسانی به افراد توانمند، دارای بهره‌وری بالا، متعهد و با انگیزه را تربیت و پرورش دهند.
- ۴- نمی‌توان بطور مطلق سبک خاصی از موسیقی را بعنوان عامل موثر و برتر بر سرمایه فرهنگی برای تمام شرایط تجویز کرد. بلکه این موضوع نیازمند نگرش اقتضایی است که بسته به شرایط باید در هر حالتی بتوان سبک خاصی را در پیش گرفت.

ب. پیشنهاد برای سایر پژوهش‌گران:

- ۱- چون پژوهش حاضر بر روی حجم کوچکی انجام شد بنابراین انجام آن با حجم بالاتر، جهت تعمیم بهتر نتایج پیشنهاد می‌گردد.
- ۲- پیشنهاد می‌شود که این پژوهش را در سایر جوامع آماری دیگر که در این خصوص فعالیت دارند در سطح کشور انجام دهند تا تصویر بهتری از نوع رابطه نقش ذائقه موسیقایی بر سرمایه فرهنگی و تاثیر آن بر روی افراد در سطح کشور به دست آید.
- ۳- به پژوهشگران توصیه می‌شود که در کنار مسائلی همچون معنویت و خلاقیت و متغیرهای دیگری مانند: رضایتمندی، عامل فرهنگ، هوش هیجانی، سبک‌های ارتباطی، رفتار شهروندی، کارآفرینی و متغیرهای دیگری از این دست نیز با تاثیر ذائقه موسیقایی بر سرمایه فرهنگی در برخورد با افراد عادی و یا افراد خاص در این حیطه فعالیت دارند و یا علاقه‌مند می‌باشند، بنابراین توصیه می‌شود که برای تعمیم بهتر نتایج در جامعه این متغیرها مورد بررسی قرار گیرد.
- ۴- نتایج به دست آمده، که از جمله فعالیت‌های علمی و تجربی در زمینه نقش ذائقه موسیقایی بر سرمایه فرهنگی در ایران محسوب می‌شود می‌تواند به عنوان منبعی مفید و مقدمه‌ای برای انجام تحقیقات جامع بعدی باشد.

منابع

- امیرکبیری، علی. (۱۳۸۵). نابرابری اجتماعی و سرمایه فرهنگی (بررسی تأثیر نابرابری اجتماعی بر توزیع سرمایه فرهنگی و نقش سرمایه فرهنگی در بازتولید طبقه اجتماعی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰)، "نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی"، ترجمه مرتضی مردیپا، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۴)، "شکل‌های سرمایه"، در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه
- حقیقتیان، منصور، ربانی، رسول و کاظمی، سهیلا (۱۳۸۷)، تاثیر سرمایه اجتماعی بر فعالیت دبیران مقطع متوسطه شهرستان اصفهان، مجله دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۱۷-۱۸، صص ۱۴۷-۱۶۴
- خیاطی، حسن. (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و اقتصادی با ذائقه موسیقایی، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- درویشی، محسن. (۱۳۷۶). تاثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۲۳، صص ۷۱-۱۱۰
- رامین، بهرام. (۱۳۸۹). جامعه شناسی مصرف موسیقی. تهران
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۹)، "کندوکاوها و پنداشته‌ها"، تهران، شرکت سهامی انتشار
- زنجانی زاده، وحید. (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی سرمایه فرهنگی و عوامل موثر بر شکل گیری آن"، پایان نامه‌ی دکتری جامعه شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- صمیم و فاطمی، 1386 قشربندی اجتماعی در مصرف فرهنگی با تمرکز بر مصرف موسیقایی در شهر تهران.
- علیزاده، حسام (۱۳۸۳). سنجش گرایش جوانان به انواع موسیقی در شهر اصفهان. فرهنگ اصفهان، ویژه نامه، ص 7.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۴)، "جامعه‌شناسی مصرف موسیقی"، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- قلیچ‌لی، بهروز و مشبکی، اصغر (۱۳۸۷)، بررسی نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه فکری دو شرکت خودرو ساز ایرانی، فصلنامه دانش مدیریت، سال ۱۹، شماره ۷۵، صص ۱۲۵-۱۴۷
- کیوی- ریمون- کامپنهود، لوک وان (۲۰۰۱)، "روش تحقیق در علوم اجتماعی"، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، مرکز نشر دانشگاهی

- لطفی، محمد. (1371). سرمایه فرهنگی و هنر، توسعه"، تهران، نشر شیرازه.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۳) "معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو"، پژوهشگاه علوم انسانی، شماره ۴۲-۴۱، صص ۱۶۰-۱۴۹
- نادعلی، مریم (۱۳۸۷)، بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و بردباری اجتماعی (مطالعه موردی شهر نجف آباد)، رساله کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- Andersen, Patrick Lie & Hensen, Marianne Nordli (2010), Class and Cultural Capital: The Case of Class Inequality in Educational Performance, *European Sociological Review*, 27, 1, 1-15
- Bourdieu, Pierre; (1993), "Distinction: A Social Critique of the Judgments of the Taste", Translated by Richard Nice, London, Rutledge
- Dunn, Kestrel (2008) Cultural Capital, Socio- Economic Class, and Parental Involvement in Indian Children's Educational Experiences, edul 170, available in: dkestrel.com/KDunn_IndianChildrenEducationExperiences.pdf
- Georg .H & Gerhards. J & Romo. F (2004), Forms of capital and Social Structure in Cultural Fields, *American Journal of Sociology*
- Hensen, Marianne Nordli & Mastekaasa, Arne (2006), Social Origins and Academic Performance at University, *European Sociological Review*, 22, 3, 277-291
- Lamont, Werner (1992), Cultural capital and Social Inequality in life Course, *European Sociological Review*, 20, 4, 333-344
- Lerau, Julia Wayving, kety (2003), The Evolution of Capital Theory: A Critique of a Theory of Social Capital and Implications For HRD, *Human Resource Development Review*; 1; 468
- Lin, N. Hovang, (2002), Building a Network Theory of Social Capital, 131-45, in *Social Structure and Network Analysis*, P. V. M-a rsenden and N Lin (eds), Beverly Hill, Ca: SAGE
- weber, Lisa (1922), Social Capital, The Anatomy of Troubled concept, in *Feminist Theory*, 6, 195
- Winger. Ian (2005), Toward a Theorized Understand of Family Life and Social Capital, Australian Institute of family Studies, Working Paper, No 21, Sited in: WWW.aifs.org.au
- Cultural capital, Weinger, Elliot B & Lareau, Annette (2006), University of Maryland, College Park